

۷۷ - روح ایمانی و روح قدسی و آثارشان

و نیز از حضرت عبدالبهاء در خطابه در پاریس است. **قوله العزیز:** "ولی در عرف روحانین روحی که گفته میشود مقصد این روح نیست مقصود آنروح ابدی است آن حیات آسمانی است آنروحی است که حضرت مسیح میفرماید که باید بآن روح انسان تعمید شود تا بآن روح تعمید نشود در ملکوت الهی داخل نمیشود و همچنین در انجیل میفرمایند آن کسی که متولد از جسد شده جسد است و آن مولودی که از روح متولد شده روح است و همچنین میفرماید بگذار مرده‌ها را مرده‌ها دفن کنند زیرا آن نفوسی که مؤمن بالله نیستند هر چند روح انسانی دارند اما از روح حقیقی ایمانی محروم‌اند لهذا حکم اموات را دارند هرچند حیات ناسوتی دارند ولی از حیات ملکوتی محروم‌اند انبیاءمبعوث شده‌اند تا این روح انسانی را بروح ملکوتی زنده کنند. این روحی است که سبب وحدت عالم انسانی است، این روحی است که سبب حیات ابدی است، این روحی است که سبب سعادت سرمدی است، این روحی است که سبب دخول در ملکوت‌الله است، این روحی است که انسان را لاهوتی میکند، این روحی است که انسان زمینی را آسمانی میکند، این روحی است که ظلمانی را نورانی میکند. این روح چون مؤید بنفثات روح‌القدس شود نفوذ پیدا میکند و عالم را زنده کند نادان را دانا کند ظلمات را مبدل بنور کند عالم انسانی را عالم آسمانی کند تعالیم الهی را مجری دارد."

و در مفارضات است. قوله العزیز: "البته روح‌القدس را صعود و نزول و دخول و خروج و مزج و حلول ممتنع و محال است نهایت این است که روح‌القدس مانند آفتاب جلوه در مرآت نمود و در بعضی مواضع از کتب مقدسه ذکر روح میشود و مقصد شخص است مثل آنکه در مخاطبات و مکالمات مصطلح است که فلان شخص روح مصور است و حمیت و مرؤت مشخصه در این مقام نظر بزجاج نیست بلکه نظر بسراج است چنانچه در انجیل یوحنا در ذکر موعود بعد حضرت مسیح در فصل شانزدهم آیه دوازدهم میفرماید "و بسیار چیزهای دیگر دارم بشما بگویم لکن الان طاقت تحمل آنها را ندارید ولکن چون او یعنی روح راستی آید شما را بجمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از نفس خود تکلم ننمایید بلکه بآنچه شنیده‌است سخن خواهد گفت. معلوم میشود که این روح راستی انسانی مجسم است که نفس دارد و گوش دارد که استماع مینماید و لسان دارد که نطق میکند و همچنین بحضرت مسیح روح‌الله اطلاق میشود مثل اینکه سراج گوئی و مراد سراج با زجاج است."